

کتابشناسی توصیفی شروح حدیث عنوان بصری

کیوان احسانی

استادیار

دانشگاه اراک

keyvan.ehsani@gmail.com

سیدمجید نبوی

(نویسنده‌ی مسئول)

دانشجوی دکتری

علوم قرآن و حدیث

دانشگاه اراک

majidnabavi1366@gmail.com

com

اکرم توانا

دانش‌آموخته‌ی کارشناسی ارشد

علوم قرآن و حدیث

دانشگاه اراک

akram.tavana@yahoo.com

چکیده: حدیث، در کنار قرآن دومین سبب از اسباب هدایت مسلمان‌هاست. از آنجایی که برخی احادیث از شهرت بیشتری در میان مردم برخوردار است اهل قلم به شرح آنها، همت گماشته‌اند. یکی از این احادیث، «حدیث عنوان بصری» است که شرح‌های مختلفی بر آن نوشته شده است. نگارش پیش رو به معرفی و کتاب‌شناسی توصیفی بعضی از شرح‌های «حدیث عنوان بصری» می‌پردازد و نمونه‌هایی از سبک نگارش آن را نقل می‌کند تا مخاطب، بدون نیاز به مطالعه‌ی کتاب از محتوای آن، اطلاعات اجمالی به دست آورد. شرح‌های مذکور عبارتند از: «اسرار ملکوت» از علامه طهرانی، «اولین گامها برای خودسازی و سیر و سلوک» از سید جعفر موسوی، «تشنگان و پویندگان راه حق یا در جستجوی حقیقت» از رضا قربانیان، «حدیث دوست» از مهدی طیب، «راز دیدار علم» از سیدعلی اصغر علوی، «ره‌توشه‌ی سالکان راه خدا» از علی اصغر ملک‌احمدی، «سودای حقیقت» از مهدی غلامعلی، «شرح حدیث عنوان بصری» از محمدباقر تحریری، «شرحی بر حدیث عنوان بصری» از مهدخت میرصادقی و «علم‌آموزی و معرفت‌اندوزی» از رضا رضانی گیلانی.

کلیدواژه‌ها: کتابشناسی توصیفی، حدیث عنوان بصری، توصیه‌های امام صادق، شرح حدیث.

تاریخچه‌ی مقاله

دریافت: ۱۳۹۶/۳/۳

پذیرش: ۱۳۹۶/۶/۲۸

۱. مقدمه

لازمه‌ی انجام تحقیق‌های پرمحتوا شناخت منابع پیرامون آن تحقیق است. هر پژوهشی که بدون شناخت منابع لازم و کافی آغاز شود؛ تحقیق دقیق، متین و خالی از خطا نخواهد شد؛ بنابراین باید در موضوعات مختلف علمی، تحقیقاتی با عنوان کتاب‌شناسی و منبع‌شناسی نگاشته شود تا پژوهشگران در تحقیقات خود از سهولت بیشتری برای شناخت منابع برخوردار باشند و در شناخت منابع در تنگنا قرار نگیرند. این کار، تحقیقات را دقیق‌تر و صحیح‌تر می‌کند و محقق را با نظریات مختلف آشنا می‌سازد. هم‌چنین با فراهم شدن زمینه‌ی مقایسه‌ی نظریات، خطاهای برخی از نگارش‌ها مشخص می‌شود.

۲. پیشینه‌ی تحقیق

درباره‌ی پیشینه‌ی این تحقیق می‌توان گفت تا کنون تحقیقی به معرفی و بررسی شرح‌های حدیث عنوان بصری نپرداخته است، بنابراین نوشتار کنونی، پژوهشی نو در این زمینه است.

۳. بیان مسأله و ضرورت تحقیق

برای ورود به هر بحث علمی، اطلاع از منابع نگارش یافته ضروری است. شناخت شرح‌های حدیث عنوان بصری و محتوای آنها برای کسانی که می‌خواهند در این زمینه، اطلاعاتی داشته باشند و یا تحقیقی انجام دهند،

ضروری به نظر می‌رسد چرا که محقق بدون شناخت شرح‌های این حدیث ممکن است نگارش‌های ضعیف و کم محتوا ارائه دهد. پس محقق باید از نگارش‌های قبلی و محتوای آنها اطلاعات کافی داشته باشد تا بتواند خلأهای پژوهش را کشف کند و تحقیق نو و جدیدی ارائه دهد. در غیر این صورت، احتمال دارد تحقیقات موازی و تکراری انجام گیرد و انرژی و وقت محقق تلف شود.

۴. سؤال‌ها و فرضیه‌ی تحقیق

پرسش نویسندگان این مقاله این است که چه تعداد شرح درباره‌ی «حدیث عنوان بصری» نگارش یافته است؟ محتوای این شروح چه می‌باشد و به چه مسائلی پرداخته شده است؟

با جست و جوی به عمل آمده به نظر می‌رسد که حدود ۱۵ شرح درباره‌ی «حدیث عنوان بصری» نوشته شده است که محتوای نگارش‌ها در متن مقاله ارائه می‌شود.

ژرویشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

۵. حدیث عنوان بصری

درباره‌ی حدیث عنوان بصری ابتدا به مختصری از شخصیت عنوان بصری پرداخته می‌شود سپس حدیث بررسی می‌شود.

۱.۵. شخصیت عنوان بصری

این حدیث به طور کامل در کشکول شیخ بهایی و بحار الانوار علامه مجلسی نقل شده است. هم‌چنین به طور کامل و جامع و گاهی ترجمه‌ی بخش‌هایی

از آن به عناوین مختلف در کتب و منابع متعددی نقل شده است، مثل وسائل الشیعه‌ی شیخ حر عاملی، منیة المرید شهید ثانی و ... (قربانیان، ۱۳۸۲ ش، مقدمه). علامه مجلسی در بحار الانوار این‌گونه می‌فرماید: این عبارت را به خط شیخ خود، شیخ بهایی دیده‌ام: شیخ شمس‌الدین محمد بن مکی گفته است: از دست نوشته‌ی شیخ احمد فراهانی، از عنوان بصری که پیرمردی ۹۴ ساله بود نقل می‌کنم که گفت: ...

در ادامه‌ی حدیث اشاره می‌شود که عنوان بصری سال‌ها برای کسب علم و دانش نزد مالک بن انس می‌رفت و چون امام صادق علیه السلام به مدینه آمد، ایشان شروع به رفت و آمد نزد امام کرد و در نظر داشت همان‌گونه که از مالک بن انس علم می‌آموزد از امام علیه السلام نیز علم بیاموزد. مهدی غلامعلی در کتاب سوادى حقیقت می‌نویسد: آنچه از این حدیث درباره‌ی عنوان می‌فهمیم، این است که وی تا ۹۴ سالگی از امام صادق علیه السلام و جایگاه والای ایشان شناختی نداشته است. پیش‌تر مرید مالک بن انس (م ۱۷۹ ق)، از فقهای بنام و صاحب یکی از فرق اهل تسنن بوده است. (همو، ۱۳۹۲ ش، ص ۲۷). از متن حدیث و جریان عنوان بصری این‌گونه بر می‌آید که وقتی او گذرش به مجلس امام صادق علیه السلام می‌افتد در می‌یابد که تا کنون به بیراهه می‌رفته و در سراب به دنبال آب می‌گشته است و تنها در محضر امام صادق علیه السلام می‌تواند گم‌شده‌اش را پیدا کند. (طیب، ۱۳۹۲ ش، ص ۷). هم‌چنین باید اشاره کرد که از جریان زندگی عنوان بصری مخصوصاً قبل از ۹۴ سالگی او چیزی در دست نیست و در کتب رجالی نیز نامی از او برده نشده است اما این مطلب، ضرری به این حدیث شریف نمی‌زند به جهت آنکه این ضعف سند به واسطه‌ی «متن حدیث» جبران شده است. زیرا مطالب و

جملات بیان شده‌ی در حدیث شهادت می‌دهند که از غیر معصوم نمی‌تواند بوده باشد. علاوه بر این بسیاری از بزرگان و اولیاء الله این روایت را نصب العین خود قرار داده و به آن عمل می‌کردند و به دیگران نیز بر طبق مضامین آن توصیه به عمل می‌نمودند. (ملک احمدی، ۱۳۸۷ ش، ص ۱۷). درباره‌ی مالک بن انس نیز باید اشاره کرد که: «شیخ طوسی رحمته الله در کتاب رجال خود او را مالک بن انس بن ابی عامر الاصبیحی المدنی می‌داند و از اصحاب امام صادق علیه السلام می‌شمارد. ولی صاحب معجم رجال حدیث می‌نویسد: او همان مالک بن انس ابن مالک ابن ابی عامر الاصبیحی ابو عبدالله، یکی از پیشوایان چهارگانه‌ی اهل تسنن است. (رمضانی گیلانی، ۱۳۸۲ ش، ص ۳).

۲.۵. حدیث عنوان بصری

حدیث عنوان بصری توصیه‌های امام صادق علیه السلام در موضوعاتی مانند علم واقعی و حقیقت بندگی و حاوی مطالب جامعی در بیان کیفیت معاشرت و خلوت با خدا و آداب غذا خوردن و نیز کیفیت تحصیل علم و تحمل سختی‌ها و شداید و مقام عبودیت و وصول به اعلا درجه‌ی عرفان حقیقی است که بنا به گفته‌ی علامه قاضی، اساس سیر و سلوک است (رضا قربانیان، ۱۳۸۲، مقدمه).

در این بخش متن کامل حدیث که علامه مجلسی رحمته الله آن را نقل نموده است، ارائه می‌شود:

«أَقُولُ وَجَدْتُ بِحَظِّ شَيْخِنَا الْبَهَائِيِّ قَدَّسَ اللَّهُ رُوحَهُ مَا هَذَا لَفْظُهُ قَالَ الشَّيْخُ شَمْسُ الدِّينِ مُحَمَّدُ بْنُ مَكِّيٍّ نَقَلْتُ مِنْ حَظِّ الشَّيْخِ أَحْمَدَ الْفَرَاهَانِيِّ رحمته الله عَنْ عُنْوَانِ الْبَصْرِيِّ وَكَانَ شَيْخًا كَبِيرًا قَدْ أَتَى عَلَيْهِ أَرْبَعٌ وَتِسْعُونَ سَنَةً قَالَ: كُنْتُ أَخْتَلِفُ إِلَى

مَالِكِ بْنِ أَنَسٍ سِنِينَ فَلَمَّا قَدِمَ جَعْفَرُ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ الْمَدِينَةَ اخْتَلَفْتُ إِلَيْهِ وَأَحْبَبْتُ أَنْ أَخُذَ عَنْهُ كَمَا أَخَذْتُ عَنْ مَالِكٍ فَقَالَ لِي يَوْمًا إِنِّي رَجُلٌ مَطْلُوبٌ وَمَعَ ذَلِكَ لِي أَوْزَادٌ فِي كُلِّ سَاعَةٍ مِنْ آتَاءِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ فَلَا تَشْغَلْنِي عَنْ وَرْدِي وَخُذْ عَنْ مَالِكٍ وَ اخْتَلَفَ إِلَيْهِ كَمَا كُنْتُ تَخْتَلِفُ إِلَيْهِ فَأَعْتَمَمْتُ مِنْ ذَلِكَ وَ خَرَجْتُ مِنْ عِنْدِهِ وَ قُلْتُ فِي نَفْسِي لَوْ تَفَرَّسَ فِيَّ خَيْرًا لَمَّا رَجَرَنِي عَنِ الْاِخْتِلَافِ إِلَيْهِ وَ الْأَخْذِ عَنْهُ فَدَخَلْتُ مَسْجِدَ الرَّسُولِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وَ سَلَّمْتُ عَلَيْهِ ثُمَّ رَجَعْتُ مِنَ الْعَدِ إِلَى الرَّوْضَةِ وَ صَلَّيْتُ فِيهَا رُكْعَتَيْنِ وَ قُلْتُ أَسْأَلُكَ يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ أَنْ تَعْطِفَ عَلَيَّ قَلْبَ جَعْفَرٍ وَ تَرْزُقَنِي مِنْ عِلْمِهِ مَا أَهْتَدِي بِهِ إِلَى صِرَاطِكَ الْمُسْتَقِيمِ وَ رَجَعْتُ إِلَى دَارِي مُغْتَمًّا وَ لَمْ أَخْتَلِفْ إِلَى مَالِكِ بْنِ أَنَسٍ لِمَا أُشْرِبَ قَلْبِي مِنْ حُبِّ جَعْفَرٍ فَمَا خَرَجْتُ مِنْ دَارِي إِلَّا إِلَى الصَّلَاةِ الْمَكْتُوبَةِ حَتَّى عَيْلَ صَبْرِي فَلَمَّا صَاقَ صَدْرِي تَنَعَّلْتُ وَ تَرَدَّيْتُ وَ قَصَدْتُ جَعْفَرًا وَ كَانَ بَعْدَ مَا صَلَّيْتُ الْعَصْرَ فَلَمَّا حَضَرْتُ بَابَ دَارِهِ اسْتَأْذَنْتُ عَلَيْهِ فَخَرَجَ خَادِمٌ لَهُ فَقَالَ مَا حَاجَتُكَ فَقُلْتُ السَّلَامُ عَلَى الشَّرِيفِ فَقَالَ هُوَ قَائِمٌ فِي مُصَلَّاهُ فَجَلَسْتُ بِحِذَاءِ بَابِهِ فَمَا لَبِثْتُ إِلَّا يَسِيرًا إِذْ خَرَجَ خَادِمٌ فَقَالَ ادْخُلْ عَلَى بَرَكَةِ اللَّهِ فَدَخَلْتُ وَ سَلَّمْتُ عَلَيْهِ فَرَدَّ السَّلَامَ وَ قَالَ اجْلِسْ غَفَرَ اللَّهُ لَكَ فَجَلَسْتُ فَأَطْرَقَ مَلِيًّا ثُمَّ رَفَعَ رَأْسَهُ وَ قَالَ أَبُو مَنْ قُلْتُ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ قَالَ ثَبَّتَ اللَّهُ كُنْيَتَكَ وَ وَفَّقَكَ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ مَا مَسْأَلَتُكَ فَقُلْتُ فِي نَفْسِي لَوْ لَمْ يَكُنْ لِي مِنْ زِيَارَتِهِ وَ النَّسْلِيمِ غَيْرُ هَذَا الدُّعَاءِ لَكَانَ كَثِيرًا ثُمَّ رَفَعَ رَأْسَهُ ثُمَّ قَالَ مَا مَسْأَلَتُكَ فَقُلْتُ سَأَلْتُ اللَّهَ أَنْ يَعْطِفَ قَلْبَكَ عَلَيَّ وَ يَرْزُقَنِي مِنْ عِلْمِكَ وَ أَرْجُو أَنَّ اللَّهَ تَعَالَى أَجَابَنِي فِي الشَّرِيفِ مَا سَأَلْتُهُ فَقَالَ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ لَيْسَ الْعِلْمُ بِالتَّعَلُّمِ إِنَّمَا هُوَ نُورٌ يَقَعُ فِي قَلْبٍ مَنْ يُرِيدُ اللَّهُ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى أَنْ يَهْدِيَهُ فَإِنْ أَرَدْتَ الْعِلْمَ فَاطْلُبْ أَوْ لَا فِي نَفْسِكَ حَقِيقَةَ الْعُبُودِيَّةِ وَ اظْلُبِ الْعِلْمَ بِاسْتِعْمَالِهِ وَ اسْتَفْهِمِ اللَّهَ يُفْهِمَكَ قُلْتُ يَا شَرِيفُ فَقَالَ قُلْ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ قُلْتُ يَا أَبَا

عَبَدَ اللهُ مَا حَقِيقَةُ الْعُبُودِيَّةِ قَالَ ثَلَاثَةٌ أَشْيَاءُ أَنْ لَا يَرَى الْعَبْدُ لِنَفْسِهِ فِيَمَا حَوَّلَهُ اللهُ
 مِلْكَاً لِأَنَّ الْعَبِيدَ لَا يَكُونُ لَهُمْ مَلِكٌ يَرَوْنَ الْمَالَ مَالَ اللهِ يَصْعُونَهُ حَيْثُ أَمَرَهُمُ اللهُ
 بِهِ وَلَا يُدَبِّرُ الْعَبْدُ لِنَفْسِهِ تَدْبِيراً وَجُمْلَةً اشْتِغَالِهِ فِيَمَا أَمَرَهُ تَعَالَى بِهِ وَنَهَاهُ عَنْهُ فَإِذَا
 لَمْ يَرَ الْعَبْدُ لِنَفْسِهِ فِيَمَا حَوَّلَهُ اللهُ تَعَالَى مِلْكَاً هَانَ عَلَيْهِ الْإِنْفَاقُ فِيَمَا أَمَرَهُ اللهُ تَعَالَى
 أَنْ يُنْفِقَ فِيهِ وَإِذَا فَوَّضَ الْعَبْدُ تَدْبِيرَ نَفْسِهِ عَلَى مُدْبِرِهِ هَانَ عَلَيْهِ مَصَائِبُ الدُّنْيَا وَ
 إِذَا اشْتَعَلَ الْعَبْدُ بِمَا أَمَرَهُ اللهُ تَعَالَى وَنَهَاهُ لَا يَتَفَرَّغُ مِنْهُمَا إِلَى الْمِرَاءِ وَالْمُبَاهَاةِ
 مَعَ النَّاسِ فَإِذَا أَكْرَمَ اللهُ الْعَبْدَ بِهَذِهِ الثَّلَاثَةِ هَانَ عَلَيْهِ الدُّنْيَا وَإِنِّيْسُ وَالْخُلُقُ وَ
 لَا يَطْلُبُ الدُّنْيَا تَكَثُراً وَتَفَاخُراً وَ لَا يَطْلُبُ مَا عِنْدَ النَّاسِ عِزّاً وَغُلُوّاً وَ لَا يَدْعُ أَيَّامَهُ
 بَاطِلاً فَهَذَا أَوَّلُ دَرَجَةِ الثَّقَى قَالَ اللهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى تِلْكَ الدَّارُ الْآخِرَةُ نَجْعَلُهَا لِلَّذِينَ
 لَا يُرِيدُونَ غُلُوّاً فِي الْأَرْضِ وَ لَا فَسَاداً وَ الْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ قُلْتُ يَا أَبَا عَبْدِ اللهِ أَوْصِنِي
 قَالَ أَوْصِيكَ بِتِسْعَةِ أَشْيَاءَ فَإِنَّهَا وَصِيَّتِي لِمُرِيدِي الطَّرِيقِ إِلَى اللهِ تَعَالَى وَ اللهُ أَسْأَلُ
 أَنْ يُؤَفِّقَكَ لِاسْتِعْمَالِهِ ثَلَاثَةَ مِنْهَا فِي رِيَاضَةِ النَّفْسِ وَ ثَلَاثَةَ مِنْهَا فِي الْحِلْمِ وَ ثَلَاثَةَ
 مِنْهَا فِي الْعِلْمِ فَاحْفَظْهَا وَ إِيَّاكَ وَ التَّهَافُونَ بِهَا قَالَ عَنْوَانُ فَفَرَعْتُ قَلْبِي لَهُ فَقَالَ أَمَّا
 اللُّوَاتِي فِي الرِّيَاضَةِ فَإِيَّاكَ أَنْ تَأْكُلَ مَا لَا تَشْتَهِيهِ فَإِنَّهُ يُورِثُ الْحِمَاقَةَ وَ الْبَلَةَ وَ لَا
 تَأْكُلْ إِلَّا عِنْدَ الْجُوعِ وَ إِذَا أَكَلْتَ فَكُلْ حَلَالاً وَ سَمِّ اللهُ وَ اذْكُرْ حَدِيثَ الرَّسُولِ ﷺ مَا
 مَلَأَ آدَمِيَّ وَعَاءً شِراً مِنْ بَطْنِهِ فَإِنْ كَانَ وَ لَا بُدَّ فَنَلْتُ لِبَطْنِي وَ ثَلْتُ لِشَرَابِي وَ ثَلْتُ
 لِنَفْسِي وَ أَمَّا اللُّوَاتِي فِي الْحِلْمِ فَمَنْ قَالَ لَكَ إِنْ قُلْتَ وَاحِدَةً سَمِعْتَ عَشْرًا فَقُلْ إِنْ
 قُلْتَ عَشْرًا لَمْ تَسْمَعْ وَاحِدَةً وَ مَنْ سَتَمَكَ فَقُلْ لَهُ إِنْ كُنْتَ صَادِقاً فِيَمَا تَقُولُ فَاسْأَلِ
 اللهُ أَنْ يَغْفِرَ لِي وَ إِنْ كُنْتَ كَاذِباً فِيَمَا تَقُولُ فَاللهُ أَسْأَلُ أَنْ يَغْفِرَ لَكَ وَ مَنْ وَعَدَكَ
 بِالْخَنَاءِ فَعِدْهُ بِالنَّصِيحَةِ وَ الرِّعَاءِ وَ أَمَّا اللُّوَاتِي فِي الْعِلْمِ فَاسْأَلِ الْعُلَمَاءَ مَا جَهِلْتَ وَ
 إِيَّاكَ أَنْ تَسْأَلَهُمْ تَعْتَنَّا وَ تَجْرِبَةَ وَ إِيَّاكَ أَنْ تَعْمَلَ بِرَأْيِكَ شَيْئاً وَ خُذْ بِالْاِحْتِيَاظِ فِي

جَمِيعِ مَا تَجِدُ إِلَيْهِ سَبِيلًا وَ اهْرُبْ مِنَ الْفُتْيَا هَرْبَكَ مِنَ الْأَسَدِ وَ لَا تَجْعَلْ رَقَبَتَكَ
لِلنَّاسِ جِسْرًا قُمْ عَنِّي يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ فَقَدْ نَصَحْتُ لَكَ وَ لَا تُفْسِدْ عَلَيَّ وَ زِدِّي فَإِنِّي
أَمْرُؤُ صَنِينٌ بِنَفْسِي وَ السَّلَامُ عَلَى مَنْ اتَّبَعَ الْهُدَى». (مجلسی، ۱۴۰۳، ق، ج، ۱، ص
۲۲۴)

۶. معرفی شرح‌های حدیث «عنوان بصری»

حدود ۱۵ شرح بر حدیث عنوان بصری نوشته شده است که ابتدا به معرفی

شمارشی آن می‌پردازیم سپس یازده شرح آن توصیف می‌شود:

۱. اسرار ملکوت
۲. اولین گام‌ها برای خودسازی و سیر و سلوک، شرح فشرده و ترجمه منظومه حدیث عنوان بصری
۳. بندگی حقیقی و حقیقت علم: شرح حدیث عنوان بصری
۴. تشنگان و پویندگان راه حق یا در جستجوی حقیقت: شرح حدیث عنوان بصری
۵. حدیث دوست: شرح رهنمودها و دستورالعمل‌های سلوکی امام صادق علیه السلام به عنوان بصری
۶. حکایت عنوان بصری
۷. در جستجوی حقیقت: شرح مختصری بر روایت عنوان بصری
۸. راز دیدار علم: دریچه‌ای به حدیث عنوان بصری
۹. ره‌توشه سالکان راه خدا، علی اصغر ملک احمدی
۱۰. سودای حقیقت: شرح حدیث عنوان بصری
۱۱. شرح حدیث عنوان بصری: بندگی حقیقی و حقیقت علم

۱۲. شرحی بر حدیث عنوان بصری
۱۳. عروج تا ملکوت: شرح روایت عنوان بصری
۱۴. علم‌آموزی و معرفت‌اندوزی: شرح حدیث عنوان بصری
۱۵. عنوان بصری: شرح و تفسیر فقره‌ی «إنی رجل مطلوب» از حدیث عنوان بصری
- در این بخش به توصیف ۱۱ نمونه‌ی آن پرداخته می‌شود.

۱.۶. سودای حقیقت: شرح حدیث عنوان بصری

«سودای حقیقت»، شرح موجزی بر حدیث عنوان بصری است. نویسنده، انگیزه‌ی نوشتن چنین شرحی را نبودن متن کوتاه و شرحی مختصر بر این حدیث پر ارزش می‌داند. (غلامعلی، ۱۳۹۲، ش، ص ۲۶) ایشان در مقدمه می‌گوید: «نوشتار پیش‌رو بر آن است تا شرحی کوتاه و برداشتی بدیع را از این کلام والای صادق آل محمد علیهم‌السلام تقدیم خوانندگان کند. بی‌تردید، متن فاخر حدیث عنوان بصری همواره در تاژک عرفان اسلامی می‌درخشد و تبیین‌کننده‌ی آن است که «عبودیت» نخستین گام برای دستیابی به مقامات عرفانی است». مؤلف در این اثر پس از مقدمه و درآمد به این عناوین می‌پردازد: شخصیت عنوان بصری، راه‌کارهای دستیابی به حقیقت بندگی؛ سپس در سه مرحله راه‌کارهای دستیابی به حقیقت بندگی را بیان می‌کند؛ مرحله‌ی نخست: درک فقر ذاتی، فواید باور کردن فقر ذاتی؛ که عبارتند از: الف) از بین رفتن دلبستگی؛ ب) درک پستی دنیا؛ مرحله‌ی دوم: واگذاری امور به خدا، فواید واگذاری امور به خدا؛ که عبارتند از: الف) تحمل سختی‌ها و ب) خواری شیطان؛ و مرحله‌ی سوم: انجام تکالیف الهی و فواید انجام دادن تکالیف که عبارتند از: الف) پرهیز از گناهان

اجتماعی و ب) نادیده گرفتن خرده‌گیری مردم. و در پایان سفارش امام علیه السلام را در سه محور: الف) ریاضت، ب) بردباری و ج) دانش، بیان می‌کند. بنا به گفته‌ی مؤلف، نوشتار کنونی، پیش‌تر به شکل درسنامه و با قالب آموزشی به همراه پانزده متن دیگر، با عنوان: «حدیث خوانی روشمند» برای دانشجویان منتشر شده بود اما ایشان شایسته دید که به شکل مستقل برای عموم علاقمندان به معارف عرفانی اهل بیت علیهم السلام منتشر شود.

در پایان برای آشنایی با سبک نوشتار نویسنده، به بخشی از آن، اشاره می‌شود؛ نویسنده در ذیل عنوان «ریاضت» [فرموده‌ی امام علیه السلام درباره‌ی شیوه‌ی غذا خوردن]، بیان می‌کند:

«غذا هم مادی است و هم معنوی. روح انسان نیز نیازمند تغذیه است تا به درجات کمال برسد. امام باقر علیه السلام در تفسیر آیه‌ی ﴿فَلْيَنْظُرِ الْإِنْسَانُ إِلَىٰ طَعَامِهِ﴾ (عبس، ۲۴)؛ پس آدمی به طعام خود بنگرد، فرمود: «عِلْمُهُ الَّذِي يَأْخُذُهُ عَمَّنْ يَأْخُذُهُ»؛ (کلینی، ۱۴۰۷ ق، ج ۱، ص ۵۰) یعنی: مقصود از طعام، همان دانش است که آدمی باید بنگرد که دانش خویش را از چه کسی می‌آموزد.

حال چنانچه ما نیز در این بخش از روایت عنوان بصری، «طعام» را به «دانش» تفسیر کنیم، می‌توانیم این‌گونه نتیجه بگیریم:

دانشی را بیاموزید که به آن علاقه دارید. بنابراین دانشجو باید در رشته‌ای تحصیل کند که به آن علاقمند است، و گرنه نتیجه‌ی مطلوب را نمی‌گیرد.

تا به دانشی احساس نیاز [و گرسنگی] نکرده‌اید؛ نباید سراغش بروید؛ زیرا ارزش آن را چنان درک نخواهید کرد و آن دانش نیز نهادینه و وجدانی نخواهد

شد. به دنبال هر علمی نباشید؛ زیرا دانستن برخی علوم علاوه بر آنکه سودی ندارد، ضررهای بسیاری را به صورت مستقیم یا غیر مستقیم ایجاد می‌کند. بنابراین آموختن علومى که موجب گمراهی انسان می‌شود، جایز نیست. بسیار پسندیده است که مطالعه و علم‌آموزی، همراه با یاد خدا آغاز شود». (مهدی غلامعلی، ۱۳۹۲ ش، صص ۵۵ و ۵۶).

۲.۶. شرحی بر حدیث عنوان بصری

نویسنده در این کتاب، بدون قید عنوانی برای مقدمه یا پیش‌گفتار، پیش در آمد سخن را با حدیثی از امام صادق علیه السلام مزین می‌کند و متن اصلی را با حدیثی از امام رضا علیه السلام آغاز می‌کند و سپس حدیث عنوان بصری را از زبان علامه مجلسی نقل می‌کند. مؤلف، فهرستی برای عناوین مطالب خویش در نظر نگرفته است. سبک نوشتار او به گونه‌ای است که ابتدا جملاتی چند از حدیث را انتخاب می‌کند؛ به این ترتیب که پس از آوردن هر جمله از متن اصلی حدیث به زبان عربی ترجمه‌ی فارسی را ذیل آن می‌آورد و در پایان تحت عنوان «توضیح» با استفاده از روایات و گاه آیات قرآن و در مواردی سخن بزرگانی نظیر سعدی و ...، به شرحی کوتاه از حدیث به فراخور مطلب می‌پردازد و در مواردی که توضیح مطلب نیازمند بسط بیشتری بوده است، از عنوان «شرح» نیز استفاده می‌کند؛ این عناوین عبارتند از: شرحی بر زیارت، شرحی بر علم و عمل به آن، شرحی بر اینکه مال را مال خدا بدانیم، شرحی در مورد تفویض تدبیر به «مدبّر»، شرحی در مورد خودسازی، شرحی در مورد حلم و بردباری و شرحی بر مُریدان علم.

اینک برای آشنایی خوانندگان با سبک نوشتار نویسنده، عباراتی از کتاب [که

ذیل سخن امام صادق علیه السلام درباره‌ی آموختن علم است]، نقل می‌شود:

توضیح (شرحی بر علم و عمل به آن)

«حضرت علی علیه السلام در مورد عالم بی‌عمل می‌فرمایند: «الدَّاعِي بِلا عَمَلٍ كَالرَّامِي بِلا وَتَرٍ» یعنی: دعوت کننده‌ای که خودش عمل ندارد مانند تیراندازی است که کمان و وسیله‌ای برای انداختن تیر ندارد.

و در اینکه چه علم و دانشی برای یادگیری بهتر است، حضرت امام صادق علیه السلام فرمودند: «وَجَدْتُ عِلْمَ النَّاسِ كُلَّهُمْ فِي أَرْبَعٍ: أَوَّلُهَا أَنْ تَعْرِفَ رَبَّكَ، وَ الثَّانِي أَنْ تَعْرِفَ مَا صَنَعَ بِكَ، وَ الثَّلَاثُ أَنْ تَعْرِفَ مَا أَرَادَ مِنْكَ، وَ الرَّابِعُ أَنْ تَعْرِفَ مَا يُخْرِجُكَ مِنَ دِينِكَ». یعنی: «جمله‌ی دانش مردمان در چهار جمله است: اول اینکه پروردگارت را بشناسی، دوم اینکه بدانی چگونه تو را آفریده است؟ و سوم اینکه بدانی از تو چه می‌خواهد؟ و چهارم اینکه بشناسی آنچه تو را از دینت خارج می‌کند.

(علم چندانکه بیشتر خوانی/چون عمل در تو نیست نادانی) (نه محقق بود دانشمند/چارپایی بر او کتابی چند) (مهدخت میرصادقی، ۱۳۹۳ ش، ص ۱۵).

۳.۶. اولین گام‌ها برای خودسازی و سیر و سلوک: شرح فشرده و ترجمه‌ی

منظوم حدیث عنوان بصری

نویسنده در این اثر، فهرست مطالب و نیز عنوانی مجزا به نام مقدمه یا پیش‌گفتار نیآورده است و به شیوه‌ی برخی نویسندگان، ابتدا پیش در آمد سخن را با عبارتی کوتاه از اربعین امام خمینی می‌آراید و بعد در متن اصلی، سخن را

مقدمه و ار با توصیف مختصری از عرفان و سیر و سلوک شروع می‌کند؛ در ادامه با مقایسه‌ی حدیث شریف عنوان بصری با دستور العمل‌های دیگر عارفان، برای این حدیث گران قدر، ویژگی‌هایی از جمله: عظمت گوینده‌ی حدیث، ایجاز، جامعیت و عمومی بودن حدیث و ... بر می‌شمارد.

مؤلف در ادامه، مطالب را از کتاب اربعین امام خمینی و گفتار دیگر عارفان و سالکان، پی می‌گیرد و نکاتی را که از کتاب اربعین امام خمینی اقتباس نمود است، ذکر می‌کند؛ از جمله این نکات می‌توان به این موارد اشاره نمود: لزوم عزم و اراده‌ی قوی برای پیمودن راه خدا، توبه از گناه، اساسی‌ترین رکن سیر و سلوک، بایستگی تقیّد سالک به ظاهر شرع مقدّس و کوچک نشمردن آن، علم و اعتقاد به این مطلب که کمبودها و نقایص نفس قابل تغییر است، گامی بزرگ برای خودسازی و سلوک، توجه به تدریجی بودن خودسازی و دلسرد نشدن و ...

پس از بیان مطالب مذکور، نویسنده مطلب را با توضیحی مختصر از منابعی که این حدیث را نقل کرده‌اند و نیز اشاره‌ای به سند حدیث که به نحو اتصال تا معصوم علیه السلام نقل نشده است و توجه به اینکه گواهی و استناد بزرگانی چون: علامه مجلسی، شیخ بهایی، شهید اول و شیخ حر عاملی، آیت‌الله قاضی و ... برای امتیاز بالای این حدیث شریف، اطمینان آور است، سخن را پی می‌گیرد و سپس ترجمه‌ی حدیث را در متن، و شرح آن و موارد اختلافی متن عربی را [در صورت قابل ملاحظه بودن] به شکل زیر نویس ذکر می‌کند، و در پایان اصل حدیث را از نسخه‌ی بحار الانوار، به همراه ترجمه‌ی منظوم آن نقل می‌کند.

اینک برای آگاهی خوانندگان از سبک نگارش نویسنده، نمونه‌ای از نوشتار کتاب نقل می‌شود:

نویسنده در ذیل سخن امام صادق علیه السلام درباره‌ی تحذیر از فتوا دادن، شرح می‌دهد که: «نکته‌ی لطیفی که در روایت به نظر می‌رسد و آن عبارت است از تشبیهی که برای فتوی دادن فرموده و خلاصه‌ی کلام آنکه آن حضرت ظاهراً مقصودشان نهی کردن از مطلق فتوی دادن نیست تا شامل مراجع تقلید و حاملان احادیث هم بشود بلکه مقصود آن حضرت، تحذیر از فتوی دادن کسی است که صلاحیت آن را ندارد ... و این نکته را نیز باید توجه داشته باشیم که احتیاط در باب فتوی فقط درباره‌ی صادر کردن فتوا نیست بلکه در نقل فتوی نیز باید کاملاً احتیاط رعایت شود به این معنی که هنگام نقل فتوای مجتهدی دقت شود که کاملاً مطابق با واقع باشد و تا زمانی که یقین به صحیح فهمیدن فتوی نداریم آن را نقل نکنیم ... مسئولیت کسی که فتوی صادر می‌کند یا فتوای مرجعی را برای دیگران نقل می‌کند بسیار سنگین است. وی باید توجه داشته باشد که می‌خواهد حکم خدا را بیان کند و مسئولیت اعمال دیگران را به عهده بگیرد. و تشبیهی بهتر از آنچه در روایت آمده نیست که وی می‌خواهد گردن خود را برای مردم پل کند تا دیگران از این پل وارد بهشت شوند...». (سید جعفر موسوی، ۱۳۸۰ ش، ص ۵۰).

در پایان برگزیده‌ای از متن حدیث عنوان بصری با مقابله‌ی ترجمه‌ی منظوم آن، ذکر می‌گردد:

فَإِنْ أَرَدْتَ الْعِلْمَ فَاطْلُبْ أَوْلًا فِي نَفْسِكَ حَقِيقَةَ الْعُبُودِيَّةِ: پس اگر خواهان

علمی ای عرب در دلت اول عبودیت طلب

با حقیقت بندگی را توأمان اولاً جوینده شو در عمق جان

وَ اَطْلُبِ الْعِلْمَ بِاسْتِعْمَالِهِ: هم عمل کن آنچه می دانی به آن تا که علمت
حاصل آید بی گمان

وَ اسْتَفْهِمِ اللَّهَ يُفْهِمُكَ: از خدای خود طلب کن فهم را تا کند فهمت ز سوی
خود عطا (همان، صص ۵۶ و ۵۷).

۴.۶. راز دیدار علم: «دریچه ای به حدیث عنوان بصری»

مؤلف در این اثر، از زبانی ادبی و نگاهی عرفانی بهره گرفته است، یعنی این اثر بر خلاف اغلب آثار که به زبان علمی و عرفی است، لحنی شاعرانه و عارفانه دارد و همین نکته، این نوشتار را از دیگر شروح متمایز می کند؛ شاید همین ساختار سبب شده است که نویسنده، عنوانی مجزا برای مقدمه یا پیش گفتار، در نظر نگیرد؛ هرچند چنین به نظر می رسد خلاف شیوه‌ی معمول در نگارش کتب، مقدمه در پایان کتاب تحت عنوان «ما بعد التقریر»، بیان شده است، چرا که توضیح مضمون و شیوه‌ی نگارش کتاب در این بخش ذکر گردیده است: «... به یک معنا هدف اصلی مجموعه، پاسخ به این سؤال بود که «چگونه به عرصه‌ی علم اهل بیت علیهم السلام می توان وارد شد و جرعه نوش زلال شان بود؟» و اساساً هدف کتاب از ابتدا ترجمه و شرح و بسط همه‌ی عبارات نبود، بلکه حدیث عنوان بصری، بستری بود برای پاسخ به سوال اصلی بحث: راز دیدار علم». (سید علی اصغر علوی، ۱۳۹۳ ش، ص ۱۳۷).

اینک گزیده‌ای از نوشتار نویسنده جهت آشنایی با سبک نگارش ایشان ارائه

می‌شود:

گم‌شده‌ی عنوان

«علم به تعلّم نیست، بلکه نوری است که از طرف خداوند بر دل‌ها می‌تابد، اینک اگر طالب علم هستی، ابتداء از خود حقیقت عبودیت را بخواه، علم را برای عمل طلب کن و از خداوند بخواه تا فهم شما را زیاد کند». این بود خلاصه‌ای که عنوان به پایش دوید، خلاصه‌ای ژرف، همه‌ی آن چیزی که برایش شاگردی کرد. خلاصه‌ای به بهای التماس و اضطرار و توسل و سماجت طالبی مانند عنوان بصری». (همان، ص ۹۹).

۵.۶. علم‌آموزی و معرفت اندوزی: شرح حدیث عنوان بصری

نویسنده در مقدمه به نکاتی در باب علم و علم‌آموزی، وظایف علم‌آموز، نسبت به استاد، نسبت به دیگر علم‌آموزان، نسبت به درس و نسبت به مردم اشاره می‌کند.

مؤلف در متن کتاب به این عنوان‌های کلی می‌پردازد: آزمایش در پذیرش شاگرد، دعا برای جلب نظر استاد، جدیّت در علم‌آموزی، لحظه‌ی استجاب دعا، در کنار محبوب، ادب در مقابل استاد، حقیقت علم و علم حقیقی، حقیقت بندگی، حالات عبد واقعی، آثار بندگی حق، دعا و طلب توفیق، ابعاد رهنمودهای امام، آداب ریاضت نفس، سفارش‌هایی درباره‌ی بردباری، سفارش‌هایی درباره‌ی علم، پایان دیدار و بخش پایانی کتاب، به متن کامل روایت با ترجمه و سپس به ترتیب فهرست آیات و روایات، آورده است.

شیوه‌ی نویسنده در نگارش به این‌گونه است که هر فصلی را برای یکی از

عناوین شانزده‌گانه‌ی مذکور در نظر می‌گیرد به این صورت که ابتدا عباراتی از حدیث را با ترجمه‌ی فارسی آن می‌آورد و سپس شرح عبارت را به صورت نکاتی که از آن برداشت نموده است، بیان می‌کند: (نکته‌ی اول، نکته‌ی دوم و ...). اکنون نمونه‌ای از شرح نویسنده برای آشنایی با سبک نوشتار ایشان ارائه می‌شود:

نویسنده در فصل ۱۲ که با عنوان: «ابعاد رهنمودهای امام» است، و در واقع ذیل عبارت توصیه‌های امام علیه السلام به عنوان است، بیان می‌کند:

«نکته‌ی اول: امام علیه السلام، سفارش‌های نه‌گانه‌ی خویش را به پیوندگان علم و معرفت در سه بخش ارائه فرمودند: ۱. تأدیب و تربیت نفس سرکش، ۲. حلم، صبوری و بردباری؛ ۳. علم و دانش.

توجه به ابعاد سه‌گانه‌ی مذکور نشان‌گر اهمیت آنها در شکوفایی استعدادهای بی‌کرانی است که خداوند در اختیار آدمی قرار داده است. ارتباط تربیت نفس با حلم و علم در آن است که علم، مربوط به مقام ذهن و اندیشه، و حلم مربوط به مقام قلب و باطن است، و تربیت و تأدیب نفس برای کنترل و جهت‌بخشی مثبت به آن دو است. کسی که حلم، بردباری و صبر و استقامت نداشته باشد نمی‌تواند از علم و دانشی که دارد، به درستی استفاده کند هم‌چنین اگر این دو با تربیت صحیح نفس همراه نباشد، ممکن است در خدمت اهداف شیطانی قرار گیرد و صاحبش را به پست‌ترین مراتب حیات سوق دهد». (رضا رضانی گیلانی، ۱۳۸۲ ش، صص ۶۱ و ۶۲).

۶.۶. حدیث دوست: شرح رهنمودها و دستور العمل‌های سلوکی امام صادق علیه السلام به عنوان بصری

این کتاب نگاشته‌ی مهدی طیب می‌باشد که در شهر تهران توسط انتشارات سفینه، به سال ۱۳۹۲، در ۱۶۲ صفحه به چاپ رسیده است.

نویسنده در پیش‌گفتار درباره‌ی انگیزه‌ی نگارش کتاب یادآور می‌شود که این کتاب، برگرفته از مطالبی است که در جلسات اهل ولاء از سوی ایشان، برای دانشگاهیان در سال ۱۳۸۴، بازخوانی و شرح می‌شده است و چون شنوندگان از آن استقبال بسیاری می‌کردند، متن گفتارها به صورت کتاب کنونی به نگارش درآمد.

مؤلف، در ابتدا متن کامل حدیث را به عربی نقل می‌نماید و سپس ترجمه‌ی همه‌ی آن را به فارسی می‌آورد، سپس در متن اصلی کتاب وارد شرح حدیث می‌شود به این شیوه که ابتدا مدخل حدیث را نقل می‌کند و سپس به فراخور مقام حدیث را در عبارت یا عباراتی می‌آورد و شرح آن را تحت عناوینی ارائه می‌دهد.

اینک برای آشنایی خوانندگان، نمونه‌ای از شرح نویسنده در پایان نقل می‌شود:

نویسنده ذیل فرموده‌ی امام علیه السلام: «فَأَيُّ أَمْرٍ صَنِينٌ بِنَفْسِي»، این‌گونه شرح می‌دهد:

بیشترین بهره از عمر

مقصود حضرت این بود که نمی‌گذارم لحظه‌ای از لحظات عمرم به هدر رود. خیلی با خست و قتم را هزینه می‌کنم. بیش از آنچه ضروری است برای کاری زمان نمی‌گذارم. وقتی کاری را در حد معقول زمان خودش انجام دادم، بلافاصله مشغول کار دیگر می‌شوم.

این نکته‌ی بسیار مهمی است که شخص فرصت عمرش را چگونه صرف می‌کند. گاهی اوقات انسان در هزینه کردن فرصت‌های خود با دست باز عمل می‌کند. خوب است انسان خودش را یک هفته زیر نظر بگیرد. در پایان هر روز یا حتی در وسط روز، هر فراغتی پیش آمد، کارهایی را که انجام داده و زمان مفید انجام آن کارها را ثبت کند. سپس حساب کند چهارده ساعت، شانزده ساعت، هجده ساعت، که وقت گذشته هر کدام از کارها واقعاً چند دقیقه وقت لازم داشته است. آن زمان‌ها را جمع بزند. اگر این کار را بکند می‌بیند در کنار وقت‌های مفید صرف شده چه حجم عظیمی وقت تلف شده است و اگر این وقت‌های تلف شده را درست استفاده کند چقدر رشد می‌کند.

زمان هدر رفته‌ی عمر ما خیلی زیاد است. باید سعی کرد از فرصت‌ها بهره‌ی شایسته برد. انسان بعضی از علمای بزرگ را که می‌بیند حیرت می‌کند که در طول عمرشان مثلاً صد جلد کتاب نوشته‌اند. اینها نتیجه‌ی درست استفاده کردن از عمر است. (مهدی طیب، ۱۳۹۲ ش، ص ۱۵۱-۱۵۳).

۷.۶. ره‌توشه‌ی سالکان راه خدا: «شرحی بر روایت عنوان بصری»

اثر موجود، نگارش علی اصغر ملک احمدی است؛ این کتاب در شهر اصفهان، توسط انتشارات شهید حسین فهمیده به سال ۱۳۸۷ در ۳۵۲ صفحه به چاپ

رسیده است.

انگیزه‌ی نویسنده از نوشتن این کتاب، توجه و تأکید بسیار بزرگان و اولیاء خدا در عمل به این حدیث شریف و نیز نبودن شرح نوشته‌ی مستقلى درباره‌ی این حدیث بوده است.

مؤلف در این شرح از آیات قرآن و روایات و سخنان بزرگان بهره برده است و برای تفهیم بهتر مطلب، گاه حکایت‌هایی از اولیای خدا و دیگران یاد کرده است.

روش نگارش کتاب به این صورت است که نویسنده پس از مقدمه، ابتدا متن عربی حدیث عنوان بصری را ذکر می‌کند و سپس در فصل دیگری از کتاب، عبارت‌هایی از حدیث را می‌آورد و ذیل آن ترجمه‌ی فارسی و شرح آن را بیان می‌کند.

در این کتاب عناوین کلی و سرفصل‌هایی مانند اگر طالب یاری باید دل از غیر خالی کنی؛ تشریف عنوان بصری به خدمت امام علیه السلام؛ عبودیت چیست؟ فرمایش امام صادق علیه السلام به عنوان بصری پیرامون ریاضت نفس؛ فرمایش امام صادق علیه السلام به عنوان بصری پیرامون حلم؛ بندگی راز رسیدن به علم حقیقی بحث و بررسی می‌شود.

اینک بخشی از کتاب برای آشنایی با سبک نگارش نویسنده ارائه می‌شود:

اُمّه‌ی معصومان علیهم السلام هم اولین عاملان به قرآن بوده‌اند

مطلب مهمی که لازم به تذکر می‌باشد و بسیاری از مردم به علت عدم اطلاع و

آگاهی از آن به انحراف رفته و خواسته‌اند شانه از زیر بار مسئولیت آن خالی کنند، این است که: مقام‌هایی که رسول خدا و ائمه معصومان علیهم‌السلام، در درگاه الهی به آن رسیده‌اند، همه در نتیجه‌ی مجاهدت‌ها و اعمال صالحه و تزکیه‌ی نفس بوده است و این درست نیست که بسیاری تصور می‌کنند که خداوند مقامات معنوی و قرب خود را رایگان در اختیار آنها قرار داده است. آنها هم مانند مردم تمایلات نفسانی داشته و با آنها مبارزه کرده‌اند. شیطان همیشه در کمین آنها هم بوده ولی آنها عنان اختیار خود را به دست او ندانده، و با شیطان مبارزه کرده‌اند. (علی اصغر ملک احمدی، ۱۳۸۷ ش، ص ۳۰۵).

همان‌طور که پیش‌تر گفته شد، نویسنده برای تفهیم بیش‌تر حکایاتی از ائمه و بزرگان نقل کرده است؛ اکنون نمونه‌ای از آن به فراخور بحث گذشته بیان می‌شود:

عفو و گذشت امام صادق علیه‌السلام از کنیز خود

سفیان ثوری می‌گوید: روزی خدمت امام صادق علیه‌السلام رسیدم و آن حضرت را متغیر و ناراحت دیدم. از علت ناراحتی آن حضرت سؤال کردم، حضرت فرمودند: من نهی کرده بودم که در خانه، کسی بالای بام برود، وقتی داخل خانه شدم دیدم یکی از کنیزان را که تربیت و نگه‌داری اولاد من به عهده‌ی او بود، در حالی که طفل من در آغوش او بود بالای نردبان است. وقتی چشم او به من افتاد متحیر شد و لرزید و طفل از دست او به زمین افتاد و مُرد، و ناراحتی من از مردن طفل نیست، بلکه ناراحتی من از ترسی است که آن کنیزک از من پیدا کرد. سفیان ثوری می‌گوید: با این حال آن حضرت به کنیزک فرموده بودند که تو را به

جهت خدا آزاد کردم، باکی بر تو نیست، باکی بر تو نیست. (همان، ص ۳۰۷).

۸.۶. تشنگان و پویندگان راه حق یا در جستجوی حقیقت؛ شرح حدیث

عنوان بصری

کتاب نام برده، اثر رضا قربانیان است که در شهر اصفهان از سوی انتشارات پیام عترت به سال ۱۳۸۲ در ۴۰۶ صفحه منتشر شده است.

نویسنده در این کتاب پس از ذکر مقدمه، متن عربی حدیث عنوان بصری را نقل می‌کند و سپس ترجمه‌ی حدیث را می‌آورد و بعد از آن ترجمه‌ی منظوم حدیث را ذکر می‌کند و آن‌گاه، نموداری درخت وارهای از حدیث را با عنوان: «حدیث عنوان در یک نگاه» نشان می‌دهد. وی در شرح خود از آیات قرآن، روایات معصومان و اشعار شاعران بهره گرفته و در مقدمه‌ی کتاب، اشاره‌ی مختصری به برخی فعالیت‌های امام صادق علیه السلام کرده است از جمله: (یادآوری دوران سخت بعثت و امامان پیشین، ترویج و احیای نهضت خونین کربلا، زمینه سازی ظهور مصلح جهانی، تربیت عمومی و خصوصی افراد و ترویج و تقویت اخلاق الهی، انقلاب فرهنگی و نهضت علمی و فرهنگی). لازم به ذکر است که این کتاب، فهرست منابع ندارد و برای آگاهی از منابع آن باید به ارجاعات پاورقی مراجعه نمود.

محتوای اصلی کتاب شامل دو بخش کلی (بخش اول: تشنگان علم واقعی و بندگی حقیقی خداوند؛ بخش دوم: وصایای نه‌گانه‌ی امام صادق علیه السلام به پویندگان طریق الی الله) و در انتها، بخشی با عنوان «خاتمه» می‌باشد.

اینک بخشی از کتاب برای آشنایی با سبک نگارش نویسنده ارائه می‌شود:

اجتناب از تزییع عمر و بطالت یا بیهودگی:

«و لا یَدَعُ اَیَّامَهُ باطلاً» یعنی: و روزگار خویش را به بطالت نگذراند.

... یکی از بزرگ‌ترین سرمایه‌هایی که خداوند مهربان به انسان عطا فرموده، نعمت عمر و فرصت‌های گران‌مایه است که غالباً به بیهودگی سپری می‌شود و بسیاری از مردم از آن غافل می‌باشند و هنگامی که عمر تمام شد، بیدار می‌شوند که دیگر فایده‌ای ندارد.

مردمان غافلند از عقبی همه گویی به خفتگان مانند

ضرر غفلتی که می‌ورزند چون بمیرند آن‌گهی دانند

قال علی علیه السلام: «النَّاسُ نِیَامٌ فَاِذَا مَا تُوا انْتَبَهُوا».

یعنی: مردم در خوابند پس وقتی مُردند بیدار می‌شوند.

مردم دنیا همه خوابند و در آرزو و هوا غافل از سرمایه‌ها و موهبت‌های خدا آری، هر لحظه‌ای که از عمر می‌گذرد باز نخواهد گشت بلکه به ناچار قدمی به پایان عمر برداشته خواهد شد.

قال علی علیه السلام: «فی کُلِّ نَفْسٍ فَوْتُ، فی کُلِّ وَقْتٍ مَوْتُ، فی کُلِّ لَحْظَةٍ اَجَلٌ»

یعنی: در هر نفسی که انسان بر می‌آورد دمی از عمرش در حال فوت شدن است، در هر زمانی و وقتی مرگ است، در هر لحظه‌ای مرگ را سررسیدی است.»
(رضا قربانیان، ۱۳۸۲ ش، ص ۲۱۵).

۹.۶. شرح حدیث عنوان بصری (بندگی حقیقی و حقیقت علم)

این کتاب، نگارش محمدباقر تحریری است که در شهر تهران توسط انتشارات خُر (سبحان) به سال ۱۳۸۷ و در ۴۷۲ صفحه، منتشر شده است.

نویسنده درباره‌ی شیوه‌ی نگارش خود در مقدمه یادآور شده است که چون نگرش کاربردی به مطالب مد نظر وی بوده، از طرح مباحث علمی، خودداری نموده و در عوض توجه ویژه‌ای به هدف والای آفرینش و راه رسیدن به آن و مقدمات و شرایط حرکت، مبذول داشته است. روش کار ایشان به این‌گونه است که پس از ذکر مقدمه، متن عربی حدیث عنوان بصری و ترجمه‌ی آن را نقل می‌کند، سپس حدیث را در پنج بخش کلی شرح می‌دهد و در پایان کتاب، فهرست آیات و روایات و ادعیه و ... و نیز فهرست موضوعی را می‌آورد.

این شرح پنج بخش اصلی به این ترتیب دارد: مقدمات سیرالی الله، بهترین مقدمه‌ی سیرالی الله، هدف اصلی آفرینش، آثار تقوا و مراتب آن و دوری از موانع کمال، دستورالعمل‌های ویژه‌ی تربیتی امام صادق علیه السلام.

اینک بخشی از کتاب برای آشنایی با سبک نگارش نویسنده ارائه می‌شود:

نویسنده در فصل دوم از بخش چهارم کتاب، به برخی از روش‌های درامان ماندن از شیطان، اشاره نموده است از جمله: ۱- یاد خدا، ۲- یاد آخرت؛

۲- یاد آخرت

یکی از روش‌های شیطان، جلوه دادن همیشگی بودن وجود انسان و عالم برای او است، یاد آخرت، مانع از تأثیر این وسوسه می‌شود.

بنابراین خداوند- تبارک و تعالی- یاد و توجه به آخرت را عامل خالص شدن وجود مخلصین، از توجه به دیگران (غیر خدا) دانسته و فرموده است: ﴿إِنَّا أَخْلَصْنَاهُمْ بِخَالِصِهِ ذِكْرَى الدَّارِ﴾ (ص، ۴۶) ما آنان را با موهبت ویژه‌ای - که یادآوری آن سرای بود - خالص گردانیدیم.

هم‌چنین این امر سبب دست نیافتن شیطان به آنان می‌باشد؛ چنان که در آیه‌ای دیگر آمده است تنها آن گروه از مؤمنان توان رهایی از تسلط و سوسه‌های ابلیس بر خویش را دارند که آخرت را باور کرده و به یاد آن هستند و افراد دیگری که نسبت به آخرت با شک و تردید می‌نگرند، وعده‌های پوچ شیطان را باور می‌کنند: ﴿وَلَقَدْ صَدَّقَ عَلَيْهِمْ إِبْلِيسُ ظَنَّهُ فَاتَّبَعُوهُ إِلَّا فَرِيقًا مِنَ الْمُؤْمِنِينَ * وَ مَا كَانَ لَهُ عَلَيْهِمْ مِنْ سُلْطَانٍ إِلَّا لِنَعْلَمَ مَنْ يُوْمِنُ بِالْآخِرَةِ مِمَّنْ هُوَ مِنْهَا فِي شَكٍ وَ رَبُّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ حَفِيظٌ﴾ (سبأ، ۲۰ و ۲۱).

یعنی: و قطعاً شیطان گمان خود را در مورد آنها راست یافت. و جز گروهی از مؤمنان، [بقیه] از او پیروی کردند. و [شیطان] را بر آنان تسلطی نبود، جز آنکه کسی را که به آخرت ایمان دارد از کسی که در باره‌ی آن در تردید است باز شناسیم و پروردگارتو بر هر چیزی نگاهبان است.

زیرا کار شیطان سرگرم کردن انسان به خود و دنیا و شوون آن و غفلت از حقیقت انسان و ارتباط آن با عالم غیب است و در نهایت نتیجه‌ی آن (سرگرم بودن به دنیا) ابتلا به بیماری‌های دنیایی است و بنا به فرمایش امیرالمؤمنین علی علیه السلام: «ذکر الدنیا أدواً الادواء ذکر الآخرة دواء و شفاء» یاد دنیا بدترین بیماری‌ها است، و یاد آخرت دوا و شفا است. نیز می‌فرماید: هر چیزی از دنیا، شنیدنش از

دیدنش بزرگ‌تر است و هر چیزی از آخرت دیدنش بزرگ‌تر از شنیدن آن می‌باشد، پس باید شما را شنیدن از دیدن و خبر گرفتن از غیب، کفایت کند. (تحریری، ۱۳۸۷ ش، صص ۲۹۹ و ۳۰۰).

۱۰.۶. عنوان بصری: شرح و تفسیر فقره‌ی «إنی رجل مطلوب» از حدیث عنوان بصری

کتاب موجود جلد اول از «عنوان بصری» است، که پدیدآور آن سید محمد حسین حسینی طهرانی است و در شهر تهران از سوی انتشارات مکتب وحی، به سال ۱۳۹۲ در ۲۵۲ صفحه منتشر شده است.

این مجموعه مشتمل بر متن سخنرانی‌های حاج سید محمد محسن حسینی طهرانی، تحت عنوان «شرح حدیث عنوان بصری» است که طی سالیان متمادی برای ارادتمندان مکتب عرفان و توحید مرحوم علامه آیت‌الله حاج سید محمد حسین حسینی طهرانی بیان فرمودند که شرح مبسوط آن، با عنوان اسرار ملکوت به قلم ایشان تنظیم و تبویب گردیده و سه مجلد از آن به چاپ رسیده است. لیکن چون هریک از این دو کتاب حاوی مطالبی است که از دیگری بی‌نیاز نمی‌کند، مجمع تحقیق مکتب وحی، زیر نظر استاد طهرانی پس از پیاده‌سازی صورت جلسات و ویرایشی اجمالی، این کتاب را ارائه نموده است.

این کتاب به گفته‌ی مؤلف در مقدمه، به واقع یادنامه‌ی علامه‌ی طهرانی (و الد مؤلف) است. چکیده‌ی سخن نویسنده درباره‌ی عبارت: «إنی رجل مطلوب»، این است که درک حضوری و دیدن ظاهری یا نبودن درک حضوری و ندیدن ظاهری معصوم علیه السلام، تأثیری در هدایت و سلوک انسان ندارد زیرا معصوم علیه السلام با

علم لدنی بر تمام اعمال و نفوس انسان‌ها اشراف دارند در حقیقت ارتباط انسان با خدا و معصوم علیه السلام ارتباطی قلبی و ملکوتی است که در آن، زمان و مکانی مطرح نمی‌باشد و بنابراین در حرکت انسان به سوی کمال دخالتی ندارد. در این راه، مهم پیروی عملی انسان از راهنمایی و دستورهای معصوم علیه السلام است. بنابراین در دوران غیبت امام عصر علیه السلام خللی در نقش هدایت‌گری امام پدید نمی‌آید. چون ایشان از طریق علم حضوری بر تمام اعمال ما احاطه دارند. مضمون کلی کتاب درباره‌ی سلوک إلی الله و سالک این راه است. می‌توان گفت مؤلف، «عنوان» را در مقام سالک إلی الله دانسته که از ولّی و استاد کامل و هادی بصیر راه خدا یعنی امام صادق علیه السلام کسب فیض نموده است، از این رو به فراخور مطلب، سخن را در سلوک و سالک إلی الله به نیکویی گسترده است.

تألیف مذکور، شامل: مقدمه، متن و ترجمه‌ی حدیث عنوان بصری، هفت مجلس و در پایان ذکر فهرس عامه از قبیل: (آیات، روایات، اشعار، اعلام، کتب، اماکن، قبائل، منابع و مصادر) و نیز نام آثار منتشره‌ی مؤلف می‌باشد.

مجالس هفت‌گانه‌ی کتاب عبارتند از:

- مجلس ۱: اهمیت حدیث عنوان بصری در تبیین سیر و سلوک الهی؛ (۲۴ محرم الحرام ۱۴۱۹ هجری قمری)
- مجلس ۲: حقیقت ولایت و کیفیت هدایت؛ (۱۱ صفر الخیر ۱۴۱۹ هجری قمری)
- مجلس ۳: هدایت تکوینی و تشریحی ائمه علیهم السلام؛ (۱۶ صفر الخیر ۱۴۱۹ هجری قمری)
- مجلس ۴: احاطه‌ی علمی و امام مبین در هدایت انسان؛ (۲۳ صفر

الخیر ۱۴۱۹ هجری قمری)

• مجلس ۵: حقیقت و معنای سیر و سلوک الهی؛ (۳۰ صفر الخیر ۱۴۱۹ هجری

قمری)

• مجلس ۶: امکان طّی طریق، قبل از وصول به وحی الهی؛ (سنه‌ی ۱۴۱۹

هجری قمری)

• مجلس ۷: اختلاف شواکل، لازمه‌ی اختلاف در کیفیت هدایت؛ (۱۰ جمادی

الثّانیه ۱۴۱۹ هجری قمری)

اینک گزیده‌ای از این نوشتار برای آشنایی با سبک عرفانی آن، ارائه می‌شود:

مسأله‌ای که متأسفانه امروزه گریبان گیر مردم شده و مردم به اشتباه و خطا دنبال پاسخ پرسش‌ها در مورد اختیار و عدم اختیار در تقبّل و پذیرش دین هستند، این است که: ما از عالم کثرت به عالم وحدت نگاه می‌کنیم؛ یعنی خود را در این دنیا یک موجود مستقل دارای شعور و ادراک و اختیار انتخاب نسبت به مسائلی که در حول و حوش او قرار دارد می‌دانیم، و سپس در این مقام بر می‌آییم که: پس این دینی که بر ما تحمیل شده است، آیا اولاً: مصلحت و رجحانی دارد یا ندارد؟ و ثانیاً: تا چه اندازه انسان در قبول و عدم قبول این دین و آیین اختیار دارد و آزادی او چه می‌شود؟

اشتباه ما در این است که: ما هیچ‌گاه به جنبه‌ی وحدت نگاه نمی‌کنیم؛ اگر ما از جنبه‌ی وحدت بنگریم که خداوند متعال از باب لطف بر بندگانش این دین را فرستاده است، در این صورت اصلاً مسأله‌ی آزادی فکر و آزادی اندیشه و اختیار چه معنی دارد؟!

مثل اینکه پدری ببیند فرزندش به بیماری دیفتری و امثال آن مبتلا شده و

اگر فلان واکسن را به او نزنند، ممکن است بعد از دو ساعت از دنیا برود؛ در اینجا اصلاً جای اختیار و انتخاب برای فرزند نیست که بگویند من این را نمی‌پذیرم و حاضر هستم که بمیرم ولی نمی‌خواهم درد این آمپول را تحمل کنم؛ زیرا بچه کوچک است و نمی‌فهمد. در اینجا پدر دست و پایش را می‌گیرد و محکم می‌بندد تا اینکه این دارو را به او تزریق کنند، و دیگر نگاه نمی‌کند به اینکه آیا الآن فرزند او این مطلب را می‌پذیرد یا نمی‌پذیرد؟

تمامی الطاف و عنایات پروردگار نسبت به بندگانش با توجه به جهل آنها نسبت به عواقب امور و مصالح و مفاسد- بر اساس علم احاطی پروردگار نسبت به مصالح بندگان است. چرا خداوند می‌گوید: مردم بایستی مسلمان شوند و در تحت نظام اسلام در آیند؟ و چرا جهاد را مقدر کرده است؟ مگر نفعی به او می‌رسد؟ بدیهی است که تمام اینها بر اساس لطف خداوند است. او چون بر بنده‌ی خود لطف دارد به او می‌گوید: باید بپذیری! و الا باید پیروی از دین، با زور بر عهده‌ی تو گذاشته شود؛ چون فرض بر این است که تو جاهل هستی (حسینی طهرانی، ۱۳۹۲ ش، ص ۶۵).

۱۱.۶. اسرار ملکوت؛ مقدمه‌ی شرح حدیث عنوان از امام صادق علیه السلام

کتاب اسرار ملکوت در سه جلد، توسط سید محسن حسینی تهرانی نوشته شده است. جلد اول این کتاب از سوی انتشارات شهریار در شهر قم به سال ۱۴۲۵ به چاپ رسیده است.

جلد اول کتاب اسرار ملکوت، از یک پیش‌گفتار، مقدمه و هشت مجلس، تشکیل شده است.

نویسنده‌ی کتاب در پیش‌گفتار انگیزه‌ی خود را از نگارش کتاب، خواهش بسیاری از دوستان والد خویش، پس از درگذشت ایشان برای برگزاری مجلس، حول محور مبانی و اسرار راه که از او بر خاطر‌ها مانده بود، بیان می‌کند و اذعان می‌دارد که غرض اصلی از برپایی مجالس مذکور، بهره‌وری از سخنان و نوشتارهای مرحوم والد بوده است.

می‌توان گفت این جلد از کتاب در حقیقت مقدمه‌ی شرح حدیث عنوان بصری است. بنا به اشاره‌ی مؤلف در پیش‌گفتار، سبک نگارش آن با صرف شرح حدیث عنوان بصری تا اندازه‌ای فاصله گرفته است و مطالبی بیرون از محدوده‌ی عرفی و تعریف‌شده‌ی اصطلاح تألیف بر آن افزوده شده است اما معتقد است که خواننده با مطالعه‌ی کتاب می‌تواند تناسب مفید مطالب را دریابد.

در پیش‌گفتار کتاب اشاره به این مطالب شده است: تشویق و تأکید اولیای الهی به مطالعه و عمل به حدیث عنوان بصری، سیر اجمالی فعالیت‌های علامه طهرانی در مدت اقامه در طهران، انگیزه‌ی تشکیل مجالس حدیث عنوان بصری، هدف غائی از تألیف کتاب، نشر و بهره‌وری از نظرات علامه طهرانی است، منابع حدیث عنوان بصری.

مقدمه‌ی کتاب، حاوی متن حدیث عنوان بصری با ترجمه‌ی علامه‌ی طهرانی می‌باشد.

جلد اول کتاب دارای هشت مجلس است؛ اولین مجلس با عنوان: «کتمان مناقب امیرالمؤمنین علیه السلام توسط بعضی صحابه»، مجلس دوم با عنوان: «حرمت کتمان حقیقت»، مجلس سوم با عنوان: «عدم توجه به معارف الهی در حوزه‌ی

نجف»، مجلس چهارم با عنوان: «حرمت انعزال از حق و بی تفاوتی نسبت به آن»، مجلس پنجم با عنوان: «لزوم تحصیل خبروئیت و بصیرت در امر به معروف»، مجلس ششم با عنوان: «اختلاف مراتب نفوس در کیفیت تلقی تشیع و اطاعت از امام معصوم علیه السلام در قرون گذشته»، مجلس هفتم با عنوان: «اطاعت از امام معصوم علیه السلام باید در همه ی ابعاد و شؤون انسان تحقق پذیرد» و مجلس هشتم با عنوان: «تلقی مسلمین صدر اسلام از خلافت و وصایت؛ و جدایی دین از سیاست» می باشد.

اینک نمونه ای از نوشتار مؤلف برای آشنایی با شیوه ی نگارش ایشان نقل می شود.

نویسنده پس از ذکر آیات: ۱۰۷-۱۰۲ سوره ی صافات که درباره ی فرمان خداوند به حضرت ابراهیم علیه السلام برای قربانی کردن فرزندش اسماعیل علیه السلام می باشد، به مناسبت از او امر امتحانیّه ی مولی سخن می گوید و در ادامه ذکر می کند که: «در اینجا نتیجه می گیریم که حضرت ابراهیم علیه السلام واقعاً به قصد کشتن فرزند و قربانی کردن او به پیشگاه الهی قیام کرده بود؛ و ابداً در ذهن خود خطوری نسبت به امتحانی بودن مسأله نداده بود ... و این است سرّ مطلب در اوامر و نواهی امتحانیّه که موجب عبور نفس از کربوه های جهل و انانیت و حبّ ذات و آثار و لوازم ذات و بیرون آمدن از حجب ظلمانی و نورانی حریم پروردگار می شود؛ و در غیر این صورت دیگر عبوری نخواهد بود.

و همین مسأله و نظائر آن برای بندگان خالص الهی به انحاء گوناگون از جانب پروردگار به عنوان هدیه و تحفه رخ می دهد. در حدیث وارد است: خداوند

بنده‌ی مؤمنش را به تحفه‌ای از جانب خود که عبارتست از ابتلاء به بلایا شاد می‌کند، همان‌طور که بزرگ خانواده به هنگام رجوع از سفر یا غیره خانواده‌اش را به هدیه و تحفه‌ای خرسند می‌سازد. در اینجا سزّاین نکته که می‌فرماید: (ما به جای او ذبح عظیمی را مقرر فرمودیم) روشن می‌شود که طبق بعضی از اخبار و روایات مقصود از ذبح عظیم از سلاله‌ی او حضرت سید الشهداء علیه السلام است که نفس خود و فرزندان و برادران و اقوام و اصحاب خود را در راه حضرت حقّ فداء نمود و همه را خالصاً و مخلصاً تقدیم رضا و مشیت و اراده‌ی پروردگار ساخت، و تاویل رؤیای صادقانه‌ی ابراهیم علیه السلام را عینیت خارجی و تحقق حقیقی بخشید». (حسینی طهرانی، ۱۴۲۵ ش، ج ۱، صص ۲۶۶ و ۲۶۷).

اما درباره‌ی جلد دوم این کتاب باید گفت که این کتاب در سال ۱۴۲۶ در شهر قم از سوی انتشارات عرش اندیشه، در ۵۵۱ صفحه با چاپ رسیده است. جلد دوم ادامه‌ی مجالس جلد اول، و بدون مقدمه و پیش‌گفتار است و شامل مجالس نهم، دهم، یازدهم و دوازدهم است؛ که مجلس یازدهم آن دارای هفت شاخصه می‌باشد. در این تألیف به فراخور مقام از آیات، روایات و اشعار بهره گرفته شده است. و اما مجلس نهم، با عنوان: «عدم کفایت اشتغال به علوم ظاهری و متعارف در تحصیل مراتب یقین و کمال»، مجلس دهم با عنوان: «وجوب رجوع به امام علیه السلام و یا فرد کامل و عارف و اصل عقلاً و شرعاً»، مجلس یازدهم تحت عنوان: «خصوصیات عارف و اصل»، دارای هفت شاخصه می‌باشد و مجلس دوازدهم تحت عنوان: «راه‌های شناخت عارف بالله و بأمراً لله» است. جلد سوم این کتاب سال ۱۳۹۱ شمسی، در شهر تهران از سوی انتشارات

مکتب وحی در ۳۳۶ صفحه به چاپ رسیده است.

مبحث‌های مجالس جلد سوم کتاب عبارتند از: مجلس سیزدهم: با عنوان: «نگرشی تحلیلی بر مکتب و عقائد ابوحنیفه» و مجلس چهاردهم تحت عنوان: «نگرشی تحلیلی بر نهضت‌های علویان و غایت آن» و مجلس پانزدهم با عنوان: «وظیفه‌ی سالک الی الله در صورت وجود وصی ظاهر» و مجلس شانزدهم با عنوان: «وظیفه‌ی سالک الی الله در صورت عدم وجود وصی ظاهر»

اینک برای آشنایی با سبک نوشتار نویسنده، نمونه‌ای از متن کتاب ارائه می‌شود:

آنچه که سالک را در شب‌های سرد زمستان از خواب بیدار می‌کند و خواب خوش را بر او حرام می‌گرداند و در دل شب او را وادار به مناجات و راز و نیاز می‌کند، صرفاً عشق و محبت به خدا و مقصد نیست، بلکه اطلاع بر سرنوشت و آگاهی از صلاح و فساد و جریانات سرای آخرت و فلاح ابدی و خسران لا یزال و احوالی است که با او مواجه خواهد شد. و اگر صرفاً علاقه به پروردگار باشد در بسیاری از اوقات این علاقه در نفس کم‌رنگ می‌شود و سالک در این احوال است که به سختی از خواب بر می‌خیزد و به تهجد و مناجات می‌گذراند. اگر سالک مجهز و مسلح به علم و آگاهی از راه و روش نباشد، مخالفین عرفان و اولیای الهی که ظاهری دل‌فریب و باطنی چون ابوسفیان دارند، در کمین او نشسته و رهزن او خواهند بود. (حسینی طهرانی، ۱۳۹۱ ش، ج ۳، ص ۲۶۵).

منابع

۱. تحریری، محمدباقر، شرح حدیث عنوان بصری: بندگی حقیقی و حقیقت علم، حسین حسین زاده اصفهانی، تهران: خُر: سبحان، ۱۳۸۷ ش.
۲. رضوانی گیلانی، رضا، علم آموزی و معرفت‌اندوزی: شرح حدیث عنوان بصری، تهران: سروش (انتشارات صدا و سیما)، ۱۳۸۲ ش.
۳. الحسینی الطهرانی، السید محمد محسن، اسرار الملکوت، مقدمه فی شرح حدیث عنوان البصری عن الامام الصادق علیه السلام، بی‌جا، دارالمحجّه البيضاء، الطبعة الاولى: ۱۴۳۱ ق/ ۲۰۱۰ م.
۴. همو، اسرار ملکوت، قم: شهریار، ۱۴۲۵ ق.
۵. جمعی از نویسندگان، بندگی حقیقی و حقیقت علم: شرح حدیث عنوان بصری، قم: موسسه فرهنگی هنری طریق معرفت ثقلین، ۱۳۹۴ ش.
۶. جمعی از نویسندگان، در جستجوی حقیقت: شرح مختصری بر روایت عنوان بصری، تدوین موسسه آموزشی پژوهشی قرآن و نهج البلاغه تسنیم، کرمان: ودیعت، ۱۳۹۱ ش.
۷. طیب، مهدی، حدیث دوست: شرح رهنمودها و دستورالعمل‌های سلوکی امام صادق علیه السلام به عنوان بصری، تهران: سفینه، ۱۳۹۲ ش.
۸. علوی، سیدعلی اصغر، راز دیدار علم: دریچه‌ای به حدیث عنوان بصری، تهران: دانشگاه امام صادق علیه السلام، بسیج دانشجویی، ۱۳۹۳ ش.
۹. غلامعلی، مهدی، سودای حقیقت: شرح حدیث عنوان بصری، قم: بهار دل‌ها، ۱۳۹۲ ش.
۱۰. قربانیان، رضا، تشنگان و پویندگان راه حق یا در جستجوی حقیقت: شرح حدیث عنوان بصری، اصفهان: پیام عترت، ۱۳۸۲ ش.

۱۱. کاظم نیا، محمد، حکایت عنوان بصری، تبریز: یاس نبی، ۱۳۸۹ ش.
۱۲. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، تهران: دارالکتب الإسلامیه، ۱۴۰۷ ق.
۱۳. مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار، بیروت: دار إحياء التراث العربي، چاپ دوم، ۱۴۰۳ ق.
۱۴. ملک احمدی، علی اصغر، ره‌توشه سالکان راه خدا، اصفهان: شهید حسین فهمیده، ۱۳۸۷ ش.
۱۵. موسوی، سید جعفر، اولین گام‌ها برای خودسازی و سیر و سلوک: شرح فشرده و ترجمه منظومه حدیث عنوان بصری، قم: بنیاد پژوهش‌های علمی و فرهنگی نورالاصفیاء، ۱۳۸۰ ش.
۱۶. میرصادقی، مهدخت، شرحی بر حدیث عنوان بصری، تهران: نگارش شرق، ۱۳۹۳ ش.
۱۷. نابلسی، عقیف، عروج تا ملکوت: شرح روایت عنوان بصری، ترجمه: رضا عرب بافرانی، علی سالمی، قم: نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه‌ها، دفتر نشر معارف، ۱۳۹۴ ش.



پرو، شہ گاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی